

زانی

مردی که مرتکب فعل زنا گردیده باشد. پښتو: [زانی]

زانی محصن

مرد متاهلی که مرتکب فعل زنا شده باشد.

پښتو: [محصن زانی]

زانیه محصنه

زن شوهر دار که مرتکب فعل زنا شده باشد.

پښتو: [محصنه زانیه]

زایل

از بین رفتن یک شی یا حق.

پښتو: [زایل]

زایل العقل

شخصی که، به سببی از اسباب عقل خود را از دست داده باشد.

پښتو: [زایل العقل]

زمان استحقاق وصیت

استحقاق موصی توسط موصی له به مجرد فوت موصی.

پښتو: [د وصیت د استحقاق وخت]

زمان اسقاط حق رجوع از هبه

حق رجوع از هبه زمانی ساقط میگردد که یکی از طرفین عقد هبه، بعد از قبض موهوبه فوت نماید.

پښتو: [له هبې څخه د راگرځېدو د حق د سقوط وخت]

زمان انعقاد عقد

زمانی است که عقد در آن به اساس قبول منعقد میگردد.

پښتو: [د عقد وخت]

زمان تادیه دین

زمانی که حین انعقاد عقد، بنا بر توافق طرفین، جهت تادیه دین تعیین میگردد. در صورتیکه طرفین زمان خاصی را تعیین ننموده باشند، به عرف موجود در زمینه رجوع میشود.

پښتو: [د دین د ورکړې وخت]

زمین اضافه تصرف

قسمتی از ساحه زمینداری متصرفه شخص که اضافه از اندازه زمین مندرج در سند ملکیت وی تثبیت گردد. یا تصاحب زمین اضافه از حدود مندرج سند ملکیت.

پښتو: [اضافه تصرفه ځمکې]

زمین بائر

زمینیکه بیش از ۵ سال متواتر در شرایط عادی تحت زرع قرار نگرفته و بعد از اصلاح و احداث سیستم جدید آبیاری تحت کشت و زراعت قرار گرفته بتواند.

پښتو: [شاره ځمکه]

زمین خصوصی

قطعه یا قطعات زمین غیر دولتی جزء ملکیت اشخاص (حقیقی یا حکمی) که در یک یا چند محل واقع شده باشد.

پښتو: [خصوصی ځمکې]

زمین دولتی

زمینی که شرعاً و قانوناً ملکیت اشخاص بالای آن ثابت نباشد و در مطابقت با احکام قانون در دفتر اساس ثبت اراضی دولت ثبت گردیده باشد، یا زمینی هایی که ملکیت عامه بوده ولی در دفتر اساس اراضی دولت ثبت نباشد.

پښتو: [دولتی ځمکه]

زمین زراعتی

ساحه زمینی که مطابق احکام قانون تحت بهره برداری زراعتی قرار گرفته بتواند.

پښتو: [اگرنیزه ځمکه]

زمین عامره

قطعه زمینی که مبنی بر اسباب کسب ملکیت، مالک صلاحیت تصرف را در آن داشته باشد.

پښتو: [عامره ځمکه]

زمین للمی

ساحه زمینداری که دارای منابع طبیعی آبیاری بوده و با در نظر داشت درجه و ضریب آن دارای محصولات یک فصله و یا دو فصله می باشد. پښتو: [للمی ځمکه]

زمین متروک

ساحه زمینداری شخص که بنابر عوامل و شرایط محیطی آنرا ترک نموده باشد. پښتو: [متروکه ځمکه]

زمین وقفی

زمینی که از ملکیت واقف خارج و در ملکیت موقوف علیه داخل نگردد. پښتو: [وقفی ځمکه]

زنا

اتصال جنسی کامل بین مرد و زن بدون انعقاد عقد نکاح صحیح. پښتو: [زنا]

زنای اجباری

ارتکاب فعل زنا با توسل به جبر و اکراه و سلب اختیار زن. (مراجعه شود به زنا). پښتو: [اجباری زنا]

زندان

محللی که در آن اشخاصیکه به حکم نهایی محکمه محکوم علیه قرار گرفته اند، نگهداری می شوند. پښتو: [زندان]

زندانی

شخصی حقیقی که مطابق احکام قانون از طرف محکمه با صلاحیت به سپری نمودن مدت معینه در زندان محکوم علیه قرار گرفته باشد. پښتو: [زندانی]

زندانی حقوقی

شخصی که هیچگونه محکومیت جزایی نداشته، صرف به دلیل محکومیت مالی و امتناع از پرداخت آن محبوس گردد. پښتو: [حقوقی بندی]

زندانی سیاسی

شخصی که بخاطر ارتکاب یک جرم سیاسی محبوس گردیده باشد. پښتو: [سیاسی زندانی]

زندگی حقوقی

حیات شخص حقیقی یا حکمی به اعتبار قوانین. پښتو: [حقوقی ژوند]

زندیق

شخصی که قصداً مقدسات و معتقدات دین مبین اسلام را مورد توهین و تحقیر قرار میدهد. پښتو: [زندیق]

زوال اهلیت

زایل گردیدن اهلیت شخص بنابر علل حقوقی و یا طبیعی جهت دارا شدن حق، تکلیف و یا تصرف در اموال و حقوق وی. (مراجعه شود به اهلیت). پښتو: [د اهلیت زوال]

زوال ایجاب

بی اعتبار شدن ایجاب بنابر سپری شدن مدت معینه یا سبب دیگری. (مراجعه شود به ایجاب). پښتو: [د ایجاب زوال]

زوال خطر

از بین رفتن هر خطر و بویژه خطری که انتقال و ابقای میعه را نزد مشتری با مخاطره مواجه ساخته باشد. پښتو: [د خطر زوال]

زواید

اجزا، ملحقات و توابع قبلی یک شی و یا توابع قبلی و جدید یک حیوان. پښتو: [زواید]

زوج

مردی که زنی در قید نکاح او قرار دارد. پښتو: [زوج]

زوجہ

زنیکہ، شوہر کردہ و در عقد نکاح شوہرش قرار داشته
باشد. پښتو: [زوجہ]

زوجیت

رابطه شرعی و قانونی زنا شوہری. پښتو: [زوجیت]

زهر شناسی

علمی که از زہریات و تأثیر سوء آن بالای وجود انسان
بحث میکند. پښتو: [زهر پېژندنه]